

## دختران و زنان، قربانیان بزرگ شبکه‌های اجتماعی



چندروز قبل مأموران پلیس آگاهی تهران مجرمی را بازداشت کردند که با هویتی جعلی دختران نوجوان را در شبکه‌های اجتماعی فریب داده‌است و سپس به آنها تعرض می‌کرد که خبر آن از سوی پلیس منتشر و دراین باره اطلاع‌رسانی شد.شاید در سالهایی نه چندان دور اگر یک مجرم یا بیمار روانی تصمیم به آزار زنان و کودکان می‌گرفت این کار از طریق آدرسیابی، توسل به زور و خشونت یا روش‌هایی از این دست اتفاق می‌افتاد، اما امروزه با ورود شبکه‌های اجتماعی به زندگی مردم، عمدتاً نوجوانان و جوانان بدون داشتن مهارت‌های لازم دربرابر آسیب‌هایی که امکان دارد به آن مبتلا شوند در دام تپه‌کاران سایبری گرفتار می‌شوند و حیثیت خود و خانواده‌شان را از دست می‌دهند.تپه‌کاری که با هنر روانشناسی خود،از نقاط ضعف وویژگی‌های شخصیتی زنان و دختران آگاه هستندو با بهره‌برداری از فضای مجازی که به‌احتی زمینه‌پنهنان کاری و تقلب در ارائه مشخصات حقیقی را برای افراد خلافکار فراهم می‌کند. آنها قربانی خود را شناسایی و بانواع شرکاء اعتماد و علاقه‌وی را جلب می‌کنند به طوری که قربانی با ااره‌ی دو میل خود به سراغ این فرد رفته غافل از آنکه به جای یک ملاقات عاشقانه هدف آزار قرار خواهد گرفت.

در اینجا لازم است تا پرسشی را برای دختران نوجوان و جوان مطرح کنیم و آن اینکه اگر فردی در خیابان یا یک مکان عمومی دیگر از شما بخواهد تا مشخصات فردی و خانوادگی خود را در اختیارش بگذارد یا واکشش شما چه خواهد بود؟ مطمئناً شما در برابر کنجکاوی فردی که در یک نگاه‌سن، جنسیت و ویژگی‌های ظاهری او برای شما کاملاً مشخص و قابل رؤیت است، موضع می‌گیرید. تا به حال، ما این موضوع فکر کر نداید شما که در برابر چنین کنجکاوی احساس می‌کنید شخصی قصد تجاوز به حریم خصوصی شما و خانواده‌تان دارد، چطور به یک عکس واسم در فضای مجازی اعتماد می‌کنید در حالیکه ممکن است مخاطب شما در مورد جنسیت، سن و شغل و تأهل و مجرد خود حقیقت را به شما نگفته باشد.

آنچه شاهد آن هستیم این است که برخی دختران نوجوان و جوان بلافاصله به‌را فرد مورد نظر اعتماد کرده و عکس‌ها و تصاویر خصوصی خود را برای وی ارسال می‌کنند که در اکثر موارد این امر، زمینه‌آخاذی و سوءاستفاده از آنان را فراهم می‌آورد.

نکته دیگر نحوه استفاده از تلفن همراه است. به خاطر داشته‌باشید تلفن همراه وسیله مکالمه و ارسال پیام است، نه محل ذخیره عکس‌ها و فیلم‌های خانوادگی و شخصی. در صورت بی‌توجهی به این نکته با سرعت تلفن همراه شما تمامی اطلاعات فردی و خانوادگی و خصوصی شما در اختیار افراد غریبه قرار می‌گیرد و شما را تبدیل به قربانی آخاذی و تهدید می‌کند.

با پیشرفت تکنولوژی، استخراج و سرقت اطلاعات شخصی شما از طریق اینترنت به‌راحتی امکان پذیراست، به همین دلیل سعی کنید از نگهداری اطلاعات محرمانه و شخصی خود روی سیستمی که با آن به اینترنت متصل می‌شوید خودداری کرده و این داده‌ها را روی لوح فشرده یا هارد اکسترنال نگهداری کنید. با توجه به وجود افراد مخرب و ریسک‌گری که در فضای مجازی به اغفال و فریب زنان و دختران مشغول هستند، شاید بتوان به جرئت آن را بسیار خطرناک تر و نامی‌تر از فضای واقعی توصیف کرد.

ظاهر فریبنده شبکه‌های اجتماعی و سهولت دسترسی به اطلاعات نامعتبر از طریق راه به تکنوای با پیشرفت برای دختران نوجوان بدل گر دستاست. دخترانی که به دلیل گذران بحران بلوغ، بسیار آسیب پذیر بود و این وظیفه والدین است تا با شیوه‌های تربیتی صحیح به نوجوان کمک کنند تا این دوران را با کمترین لغزش و آسیب پشت سر بگذارد. برخی از اقدامات مهم در این دوران در رابطه با فضای مجازی شامل مواردی است که در ادامه می‌آید: قبل از اینکه وسیله‌ای را برای فرزند خود تهیه کنید تحقیق کنید که آیا آن وسیله برای دامنه سنی که فرزند شما در آن قرار دارد، مناسب است؟ قبل از تهیه هر وسیله‌ای برای فرزندتان در گام اول خودتان طرز استفاده از آن را با والدین یا کنترل اقامات وی برایتان آسان تر بوده و دامنه لغزش و سیظنت نوجوانان، به واسطه نا آگاهی شما به حداقل برسد.

قبل از تهیه هر وسیله‌ای برای نوجوان قوانین خود را اعلام کنید و بخواهید تناسبیت به رعایت آنها اقدام کنید. قوانینی مانند مدت زمان استفاده از وسیله، مدت زمان استفاده از اینترنت، محدودیت‌های عضویت در شبکه‌های اجتماعی مورد نظر شما و مواردی چون اطلاع شما از رمز تلفن همراه. نوجوان را در مورد لزوم آگاهی شما از رمز تلفن همراه یا ثبت‌به منظور نظارت و محافظت از او توجیه کنید.

سیستم کمپیوتر یا لپ‌تاپ را در محلی از منزل قرار دهید که به راحتی قابل مشاهده باشد و زمینه پنهان‌کاری به حداقل برسد.

مهم‌ترین نکته‌ای که تمامی افراد و به طور خاص دختران نوجوان را از آسیب‌های فضای مجازی دور نگاه می‌دارد توجه به این نکته است که در فضای مجازی نیز تمامی اصول و مقرراتی که در دنیای واقعی به آن پایبند هستیم به همان شکل رعایت کنید.

**\* رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ کشف جسد سوخته شده با اسید**

مأموران پلیس تهران جسد مرد جوان ناشناسی را کشف کردند که با اسید سوخته شده بود.

به گزارش جوان، ساعت ۲۲:۱۵ شامگاه چهارشنبه ششم شهر یورمه باز پرس کشیک ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلاتری ۱۱۰ شهیدان کشف جسد مرد ناشناسی با خونی همراه تیمی از کارآگاهان ادار دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. تیم جنایی در محل حادثه با جسد مرد جوانی روبه‌رو شدند که هیچ مدرک هویتی همراه نداشت و از سر تا کمر به مایع اسیدی سوخته شده بود. بررسی‌های مأموران نشان داد جسد رازن سالخورده رگه‌زنی مشاهده کرده و موضوع را به چند مرد جوانی که در حال احداث تکیه عزاداری امام حسین (ع) بودند، اطلاع داده‌است. مردی که موضوع را به مأموران خبر داده بود، گفت: در حال آماده‌سازی تکیه عزاداری امام حسین (ع) بودیم که به بیز زنی وحشت زده به ما مراجعه کرد و گفت جسد مردی را کنار کلال آبی در آن نزدیکی دیده‌است. پس از این همراه او شدیم و با این جسد سوخته شده مرد جوانی روبه‌رو شدیم و موضوع را به مأموران پلیس خبر دادیم. نخستین معاینات پزشکی قانونی در محل حادثه نشان داد مرد جوان در محل دیگری با فشار بر عناصر حیاتی گردن خفه و پس از آن جسد با مایع اسیدی سوزانده شده‌است. همچنین بررسی‌ها حکایت از این داشت عامل یا عواملن قتل، جسد را به این محل منتقل کرده‌اند تاخاک کلال آب‌رها کنند که با دیدن فرد یا افرادی جسد را کنار خیابان رها کرده و از محل گریخته‌اند. هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد به دستور باز پرس ویژه قتل برای انجام آزمایش‌های لازم و شناسایی هویت به پزشکی قانونی منتقل شد. مأموران در تلاشند تا با بررسی‌های دوربین‌های مدار بسته محل حادثه، عامل یا عاملان قتل را شناسایی و دستگیر کنند.

## گیر کردن گلوله

## قاتل سریالی را گرفتار کرد

در این زمینه ادامه پیدا کرد.

پنج روز پس از وقوع دومین حادثه سرخ پرونده به دست پلیس افتاد. آن روز مردی

به مأموران پلیس شهرستان خورموج خبر داد، یکی از دوستانش، برادر ۱۳ساله او را به قتل رسانده‌است. او گفت: دوست ۳۶ساله‌ام از مدتی قبل از من طلب داشت و مدام پولش را مطالبه می‌کرد. ساعتی قبل به خانه‌ام آمد و خواست که پولش را بدهم. از آن جا که پولی نداشتم از او فرصت خواستم، اما او به برادرم حمله کرد و او را خفه کرد. بعد تهدید کرد اگر پولش را ندمم من را به قتل خواهد رساند. دوستم سپس اسلحه کشید و خواست شلیک کند که گلوله‌اش گیر کرد و من فرصت فرار پیدا کردم.

با اطلاعاتی که مرد جوان در اختیار پلیس گذاشت مخفیگاه متهم ۳۶ساله در شهرستان کاسی شناسایی و بازداشت شد. او در بازجویی‌ها به قتل پسر ۱۳ساله اعتراف کرد شده‌است. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد که این مرد از پشت سر هدف شلیک گلوله قرار گرفته و جان باخته‌است. تحقیقات بیشتر نشان داد که مقتول مردی مسافری بود که در جریان حادثه‌ای مرزوم به قتل رسیده و خودروی او فراید او هم سرعت شده‌بود. از آنجا که بین این حادثه و حادثه اول شباهت زیادی وجود داشت کارآگاهان اطمینان پیدا کردند که هر دو حادثه‌ا از سوی یک نفر رقم خورده است، بنابراین تحقیقات

بعد به ما همدستی یک از دوستانم خودروی برابری راد سرراهی دلوار به مقصد شهرستان دیر گرایه کردیم و حوالی شهرستان خورموج راننده را به قتل رسانده و جسدش را داخل چاه سبیلبارو و معناد به مصرف موادمخدر است فرار کردیم.

متهم در خصوص سومین قتل هم گفت: پنج‌شنبه شهریور بود که برای وصول طلب به خانه دوستم رفتم، اما گفت که پولی ندار که پرداخت کند. من هم برادر ۱۳ساله‌اش را که



آنجا بود به قتل رساندم. سپس قصد قتل او را داشتم که گلوله گیر کرد و او موفق به فرار شد. سردار خلیل واعظی، فرمانده انتظامی استان بوشر گفت: متهم اصلی پرونده هم از مجرمان سابقه‌دار و معناد به مصرف موادمخدر است که به سه فقره قتل اعتراف کرده‌است. در جریان این پرونده دو نفر دیگر بازداشت شدند و تحقیقات از آنها جریان دارد. بازرسی‌ای متخفیه‌ای متهمان یک خودروی سرتقی و دو قبضه اسلحه کشف شده‌است.

## پلیس‌های قلابی شبگرد بازداشت شدند

روز چهارشنبه برای بازجویی به دادسرای ناحیه ۲۴ منتقل شدند. یکی از متهمان گفت: ما هر سه‌بچه یک محل و از دوستان دوران دبیرستان هستیم، ما هر سه معناد به موادمخدر گل شدیم

و درس را رها کردیم. پس از این من شروع به دستفروشی کردم و سعید هم در بازار آهن کارگری می‌کند و فرید در قهوه‌خانه‌های محل نقره می‌فروشد. شب حادثه با بهادر که موادمخدر گل می‌فروشد تماس گرفتیم تا از او گل بخریم که از ما خواست برای خرید مواد به بزرگراه نواب برویم، ما سه نفر به محل حادثه رفتیم که دیدیم او و دوستش در پوشش مأمور پلیس در حال آخاذی از رانندگان عبوری هستند. بهادر از ما خواست دقایقی را اینجا منتظرشان باشیم که مأموران از راه رسیدند و ما را دستگیر کردند، اما بهادر و دوستش از محل گریختند. سه متهم برای ادامه تحقیقات و روشن شدن ادعایشان به دستور قاضی علی وسیله ایرد موسی، باز پرس شعبه پنجم دادسرا در اختیار مأموران پلیس قرار گرفتند. مأموران در تلاشند تا دو متهم فراری را دستگیر کنند.

پس از آنها گریختم. پس از اظهارات مرد فرابید سوار مأموران راهی محل شدند که راننده خودروی فراید یا دبین خودروی مأموران اقدام به فرار کرد. چهار مرد مأمور نمای دیگر هم با پای پیاده فرار کردند که مأموران در تعقیب و گریز موفق شدند سفتراز آنها را دستگیر کنند. سه متهم



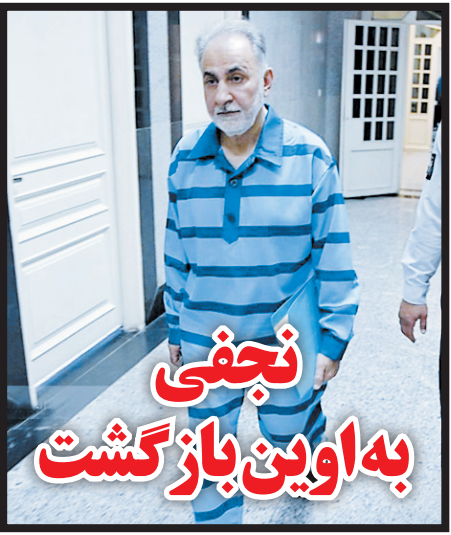
## قاتل پیر مرد تنها شناسایی نشد

گرفت. او به مأموران گفت: «دانشجوی داشنگاه پیام‌پور بودم و برای شرکت در کلاس‌هایی که در تهران برگزار می‌شد، هشت‌مایل با مادر بزرگم واحد آپارتمان پیرمرد را اجاره کردیم، ما مر اذاتای جس کرد. او با تهدید چاقو دست و پای ما را طغلی‌است مدعی شد که من مزاحم خواهرش هستم و قصد دارم از من انتقام سخی بگیرم. به او گفتیم که مرا آشنایی گرفته‌است، اما حرف‌های مرا قبول نکرد و هر چند هم التماسش کردم تا راهیم کند فایده‌ای نداشت تا اینکه نیمه‌های شب وقتی خوابید شروع به داد و فریاد کردم تا همسایه‌ها به کمک بیایند اما مرد شکنجه‌گر با آب‌جوش مرا سوزاند تا ساکت شوم. او همیشه با چاقویی که در دست داشت مرد تهدید به مرگ می‌کرد و می‌گفت دلش به حال من می‌سوزد و گرنه مر امی کشد تا اینکه پس از سه‌شنبه روز حبس و درد مرا مجبور به امضای قولنامه‌ای کرد که نوشته بود، من خودروام را به او فروختمام و تمامی پول آن راهم در یافت کردم. پس از این مرا رها کرد.

پس از این شکایت، مأموران به دستور باز پرس پرونده تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کردند. مأموران در ادامه با نشانی‌هایی که شاکي در اختیار آنها قرار داده بود، شروع به شکنجه‌گر رفتند و در نهایت هم‌زمان با کشف خودروی شاکي در پارکینگ خانه، متهمان بازداشت کردند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس در ادعایی گفت: مدتی بود مرد جوانی برای خواهرم در فضای مجازی مزاحمت ایجاد می‌کرد. خواهرم عکس مرد مزاحم را به من نشان داده بود و حتی تلفن همراهش را هم من داشتم. چندباری با او تماس گرفتیم که دست از مزاحمت بردارد اما فایده‌ای نداشت تا اینکه روز حادثه به صورت اتفاقی او را دیدم که به کمک آمد تا خودروی خرابم را به تعمیرگاه ببرم. ابتدا شک کردم اما وقتی شماره‌اش را گرفتم و در گوشی‌ام ثبت کردم، دیدم او همان مرد مزاحم است. سپس او را به پنهان‌های به خانه‌ام کشاندم و چندروزی حبسش کردم تا دست از مزاحمت خواهرم بردارد. وی درباره مصاحب خودروی شاکي هم گفت: شاکي با رضایت خودرواش را به من فروخت. متهم به دستور قاضی پرونده برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای این حادثه در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.

## حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵



رئیس کل دادگستری استان تهران از بازگشت محمدعلی نجفی به زندان اوین خبر داد.

محمدجواد حشمتی توضیح داد: براساس ضوابط و مقررات قانونی هر چند با اعلام گذشت اولیای دم، قصاص منتهی می‌شود اما در مورد جنبه عمومی جرم قتل، توسط دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد شد. مضافاً اینکه محکومیت نامبرده بابت نگهداری سلاح غیرمجاز به قوت خود باقی است و سرانجام نیز مجازات اشداجرامی شود. محمدعلی نجفی، متهم پرونده قتل همسر دومش میترا استاد، روز چهارشنبه ششم شهریور با سپردن وثیقه یک میلیارد تومانی از اوین آزاد شده بود. او از هتم کرد داده‌ام اسامی به این اتهام بازداشت و محاکمه شده‌است.

### قتل عام در قفس فناری‌ها!

مردی که متهم است در جریان اختلاف مالی با یکی از دوستانش کارگاه‌او را به آتش کشیده و تلف شش ۳۰۰قناری را رقم زده‌است. بازداشت شد. به گزارش جوان، ساعت چهار صبح روز چهارم تیرماه بود که مأموران کلاتری ۱۹ امهر آباد از حادثه آتش‌سوزی در یک ساختمان سه طبقه در خیابان مهر آباد جنوبی با خبر و در محل حاضر شدند. محل حادثه ساختمانی سه طبقه بود که از آن به عنوان کارگاه کولر سازی، محل پرورش قناری و انبار استفاده می‌شد. وقتی آتش‌نشانان در محل حاضر شدند و آتش را خاموش کردند مشخص شد که ۱۵۰ جفت قناری در محل تلف و خسارت زیادی هم به محل وارد شده‌است. بررسی‌های کارشناسان آتش‌نشانی هم نشان داد حادثه به صورت عمدی ایجاد شده‌است. پس از آن بود که به دستور باز پرس شعبه هفتم دادسرای ناحیه ۱۰ تهران تیمی از کارآگاهان ادار ششم‌دوم پلیس آگاهی مأمور رسیدگی به پرونده شدند.

صاحب کارگاه هم گفت: مدتی قبل این محل را برای ساخت کولر و پرورش قناری اجاره کرده بودم. امروز وقتی به محل کارم رسیدم از حادثه آتش‌سوزی باخبر شدم. در این حادثه ۳۰۰ میلیون تومان به من خسارت وارد شده و در خواست رسیدگی دارم.

کارآگاهان پلیس در اولین گام از تحقیقات خود تصاویر دوربین‌های مدار بسته را بررسی کردند و تصویر مرد آتش‌افروز را به دست آوردند. شاکي بعد از دیدن تصویر متهم او را به عنوان یکی از دوستانش شناسایی کرد. او گفت: مرد آتش‌افروز فرزند نام دار و ۳۵ساله که مدتی است با هم اختلاف مالی داریم. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که کارآگاهان پلیس مکتفیه‌ا فرساده را شناسایی و چند ساعت بعد او را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: من و شاکي چند سالی است که با هم دوست هستیم. من بارها از او پول قرض گرفته بودم. مدتی قبل هم مقداری پول از او قرض گرفتم تا اینکه خواستم پولش را پس بدهم. من اما پولی نداشتم به او بدهم و دست و بالم خالی بود. سر این موضوع مشاجره کردیم و کینه‌اش را به دل گرفتم و تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم، بنابراین کارگاه او را آتش زدم اما فکر نمی‌کردم که بازداشت شوم.

سرهنگ کارگاه‌علی‌گوزی، معاون جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: متهم بعد از کامل شدن تحقیقات به دستور باز پرس روانه زندان شد.

### حبس و شکنجه مزاحم خواهر با آب جوش

مردی که مزاحم خواهرش را سه‌روز در خانه حبس و او را با آب جوش شکنجه کرده بود، بازداشت شد.

به گزارش جوان، چند روز قبل مرد جوانی سراسیمه به اداره پلیس رفت و از مرد ناشناسی به اتهام شکنجه و حبس و زورگیری شکایت کرد.

شاکي در توضیح ماجرا گفت: سه‌روز قبل با خودروی بزام در حال عبور از خیابانی در غرب تهران بودم که متوجه خودروی خرابی شدم که کنار خیابان توقف کرده بود و راننده‌اش از رانندگان عبوری در خواست کمک می‌کرد. کنارش توقف کردم تا به او کمک کنم که وی از من خواست خودرواش را تا تعمیرگاهی بکسل کنم. پس از اینکه بکسل کردیم و مسافت کوتاهی را طی کرده بودیم، وی از من خواست که خودرواش را به پارکینگ خانه‌اش منتقل کنم و مدعی شد که دوست تعمیر کارش قرار است خودروی او را در پارکینگ خانه‌اش تعمیر کند. من خودرو را به پارکینگ خانه‌اش منتقل کردم که مرا به خانه‌اش دعوت کرد تا هم چایی باو بخورم و هم دستمزد مرا بدهد. به او اطمینان کردم و وارد خانه‌اش شدم که ناگهان با چاقویی به من حمله کرد و مرا از اتاقی حبس کرد. او با تهدید چاقو دست و پای ما را طغلی‌است مدعی شد که من مزاحم خواهرش هستم و قصد دارم از من انتقام سخی بگیرم. به او گفتیم که مرا آشنایی گرفته‌است، اما حرف‌های مرا قبول نکرد و هر چند هم التماسش کردم تا راهیم کند فایده‌ای نداشت تا اینکه نیمه‌های شب وقتی خوابید شروع به داد و فریاد کردم تا همسایه‌ها به کمک بیایند اما مرد شکنجه‌گر با آب‌جوش مرا سوزاند تا ساکت شوم. او همیشه با چاقویی که در دست داشت مرد تهدید به مرگ می‌کرد و می‌گفت دلش به حال من می‌سوزد و گرنه مر امی کشد تا اینکه پس از سه‌شنبه روز حبس و درد مرا مجبور به امضای قولنامه‌ای کرد که نوشته بود، من خودروام را به او فروختمام و تمامی پول آن راهم در یافت کردم. پس از این مرا رها کرد.

پس از این شکایت، مأموران به دستور باز پرس پرونده تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کردند. مأموران در ادامه با نشانی‌هایی که شاکي در اختیار آنها قرار داده بود، شروع به شکنجه‌گر رفتند و در نهایت هم‌زمان با کشف خودروی شاکي در پارکینگ خانه، متهمان بازداشت کردند.

متهم پس از انتقال به اداره پلیس در ادعایی گفت: مدتی بود مرد جوانی برای خواهرم در فضای مجازی مزاحمت ایجاد می‌کرد. خواهرم عکس مرد مزاحم را به من نشان داده بود و حتی تلفن همراهش را هم من داشتم. چندباری با او تماس گرفتیم که دست از مزاحمت بردارد اما فایده‌ای نداشت تا اینکه روز حادثه به صورت اتفاقی او را دیدم که به کمک آمد تا خودروی خرابم را به تعمیرگاه ببرم. ابتدا شک کردم اما وقتی شماره‌اش را گرفتم و در گوشی‌ام ثبت کردم، دیدم او همان مرد مزاحم است. سپس او را به پنهان‌های به خانه‌ام کشاندم و چندروزی حبسش کردم تا دست از مزاحمت خواهرم بردارد. وی درباره مصاحب خودروی شاکي هم گفت: شاکي با رضایت خودرواش را به من فروخت. متهم به دستور قاضی پرونده برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای این حادثه در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.